

ماجرای نوجوانی که برای زیارت و مداوا طلبیده شد

مسافر خاص پرواز زاهدان - مشهد

آشنایی با خانواده‌ای که پشت در پشت برای آستان قدس رضوی کاشی می‌سازند

خاندان کاشی‌کار

پس از ظهور اسلام، هنر کاشی‌کاری در خدمت زیبایی بناها قرار گرفت. استفاده از کاشی برای تزئین و همچنین استحکام بخشیدن به بناها در ایران از دوره سلجوقی آغاز شد و طی قرون متعددی به ویژه در عهد تیموری و صفوی به اوج خود رسید. اما اتفاق مهم دیگری که در این دوران رخ داد، ساخت کاشی معرق بود. بهترین نمونه‌های کاشی معرق را هم اکنون می‌توان در ایوان مقصوره مسجد جامع گوهرشاد و صحن انقلاب دید.مجموعه کاشی سنتی قدس در سال ۱۲۸۱ هجری شمسی توسط مرحوم حاج‌یوسف ...

...



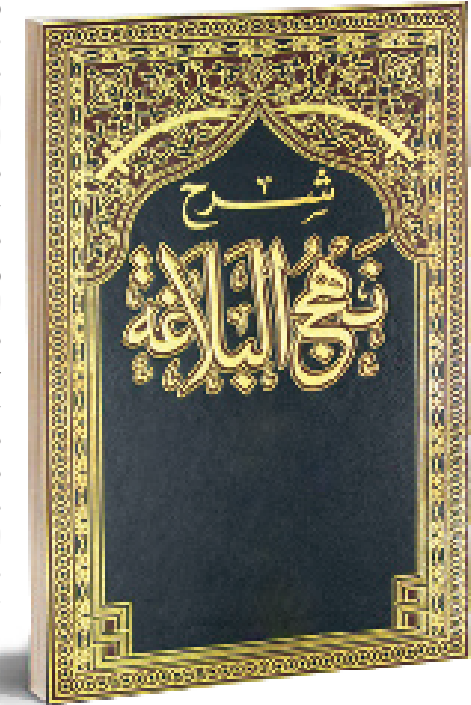
درباره زندگی و زمانه ملا رفیع‌الدین مشهدی، عالم نامدار مدفون در حرم رضوی

شارح نهج البلاغه و مدافع وحدت

او را درک کردم، ولی به ملاقات او موفق نشدم».

■ دفاع از دیپلماسی وحدت

دوران حیات ملارفیع‌الدین مشهدی همزمان با قدرت گرفتن نادرشاه بود. در آن زمان فرمانروای دودمان افشار برای آنکه بتواند ساختارهای دیپلماسی خود را تقویت و تنش را در مرزهای غربی و شمال شرقی با عثمانی‌ها و ازبکان کم کند، بنا را بر روابط مسالمت‌آمیز مذهبی گذاشت و کوشید نظر علما را برای حمایت از این دیدگاه جلب کند. در این بین علمایی که به حمایت از این رویکرد برخاستند، زیاد نبودند، اما ملا رفیع یکی از آن‌ها بود. وی در این عرصه، اعتقاد به تقیه داشت و معتقد بود تا حد امکان باید در ارتباط با برادران اهل سنت، از ورود به مباحث تفرقه‌انگیز خودداری کرد. وی با این رویکرد کوشید تا ارتباطاتی با علمای اهل سنت در ماوراءالنهر برقرار کند و از طریق آن‌ها زمینه آزادی اسیران شیعه را که گرفتار ازبکان بودند و حکومت قادر به خلاص کردنشان نبود، فراهم کند و در این راه از هیچ اقدامی فروگذار نمی‌کرد؛ تا جایی که برخی از متعصبان به وی تهمت‌های ناروا زدند و در تشیع وی تردید کردند؛ اما علمای اعلام می‌دانستند که ملا رفیع‌الدین، عالمی نیست که این تهمت‌ها بر دامن وی بنشیند. بیشتر این مخالفت‌ها از جانب اخباریون صورت می‌گرفت؛ چراکه ملا رفیع‌الدین از علمای اصولی مذهب بود. وی اعتقاد به وجوب نماز جمعه داشت و مدت‌ها در مشهد، نماز جمعه و جماعت برپا می‌کرد. تلاش‌های وی برای نجات شیعیانی که اسیر شده بودند به ثمر رسید و با مساعدت تعدادی از علمای اهل سنت که ارتباطی صمیمانه با ملا رفیع‌الدین برقرار کرده بودند، تعداد زیادی از اسیران از چنگ ازبکان خلاص شدند و به شهرهای خود بازگشتند. با این حال، روش ملا رفیع‌الدین چنان که اشاره کردیم، نه در ایران و نه در عثمانی، طرفداران زیادی نداشت و زمان لازم بود تا مسلمانان بتوانند با درک واقعیت‌های تاریخی و شناخت چهره اصلی استعمار به اهمیت رویکردهای تقریبی امثال ملارفیع‌الدین پی ببرند. این عالم نامدار در سال ۱۱۲۶ خورشیدی دار فانی را وداع گفت و پیکرش در حرم مطهر امام رضا(ع) به خاک سپرده شد.



احساس می‌کنم نفس‌های من هم مثل خانم متقاضی وام، تنگ شده و بالا نمی‌آید. این اولین موردی نیست که در باب سکنت و وجنات این مدیر می‌شنوم. می‌خواهم درددل تلفنی‌اش که تمام شد با او حرف بزنم که شمارهام را به باجه‌۵ می‌خوانند و باید بروم. پا می‌شوم اما نه برای نشستن روی صندلی باجه، می‌خواهم بروم اعتراض مختصری داشته باشم خدمت مدیری که خدوم هم اگر هست، خوش‌رفتار نیست.

پی‌نوشت

شهید بهشتی: مراقب باشیم پُست‌ها،

تسهیلات دی ماه تکمیله! خب بهش می‌گم من برای مسئول تسهیلاتتون شرایطمو روشن بیان کردم، گفتن حتماً توی اولویتید... پرونده‌تون واجد شرایطه، حالا حطور شما می‌گید ماه بعد؟ من به این پول احتیاج مبرم دارم. برنامه‌ریزی کردم... میگه مثل اینکه زبون فارسی متوجه نمی‌شی؟ آلمانی بگم خوبه یا فرانسه؟ پاشو برو وقت ما و خودت رو نگیر... شما بیکاری ولی ما با صد تا بدتر از امثال شما باید سروکله بزنیم... فعلاً وام بی‌وام... عزت و احترام سرتون بشه دیگه!» و دوباره یک پیس از اسپری آبی‌اش می‌گیرد.

رقیه توسلی | خانم میانسال برآشفته از اتاق مدیریت می‌آید بیرون و ماسکش را برمی‌دارد، کیفش را پی چیزی می‌چورد، اسپری تنفسی را در جیب جلویی کیفش پیدا کرده، می‌گذارد توی دهانش و دو بار استنشاق می‌کند. سالانه سلاسه می‌آید می‌نشینند حوالی نیمکتی که نشسته‌ام تا تلفنش را جواب بدهد. ریزاتفاقات، پرونده وام و اخلاق ناپسند رئیس بانک را می‌گذارد کف دست کسی که پشت خط است: «حرف آذر بود... ولی امروز برمی‌گرده میگه ماه بعد... سقف

نیمکت زنده‌گی

او می‌بیند



ویژه‌فرهنگ و معارف رضوی

| سال اول | ویژه نامه ۲۳۶ |

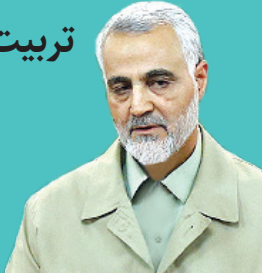
تربیت مدافع فرهنگی

ایثارگر و فداکار

در مسجد

محقق می‌شود

۲



در نشست تحلیل عزاداری‌های امسال بنی فاطمه مطرح شد

اصل کار ما در هیئت، احیای شعائر است نه خواندن شعر جدید

۲

کوتاه‌نوشت

آرزوی جاروکش صحن شاهچراغ

سهیل اسعد مطرح کرد

چند سؤال از کلیسا درباره پروژه

اصلاح اجتماعی حضرت عیسی علیه السلام

۲

عکس‌نوشت

همدم یک زندگی پرهیاهو

۲

دیدگاه

حکمت انداختن موسی علیه السلام به آب



مادر موسی(ع) انسان خوبی بود و به خدا توکل کرد و گفت: خدایا موسی(ع) را به دست تو می‌سپارم. خدا هم او را نجات داد و به ساحل رساند. اما حقیقت گذاشتن موسی(ع) در صندوق و انداختنش در آب این است که آب رمز حیات و صندوق نیز بدن انسان است که روح در آن هیوط می‌کند. اگر به ظاهر نگاه کنیم، معنای انداختن این بچه در دریا یعنی مرگ، اما باطن آیه، نجات او از کشته شدن به دست فرعون بود؛ یعنی توکل کرد و از قتل نجات یافت. بنابراین انداختن موسی(ع) به آب رمز حیات و به معنای افتادن بدن ما در اقیانوس روح است. از این رو تعلق روح به بدن مطرح و نیز روح مانند دریاست. قدما می‌گفتند نسبت عالم حس با روح مانند کف نسبت به آب یا انگشتی است که در بیابان افتاده؛ چون عالم روح بی‌انتهاست.

حیات روح نیز به علم است نه جهل. حیات صوری ما به آب و غذاست، اما این غذا و آب برای روح، علم است و علم نیز درجاتی دارد. علم مطلق نجات‌بخش است نه مقید. همه علوم ما را از جهل مقید نجات می‌دهند، اما علم مطلق سبب نجات انسان می‌شود و دین و حکمت الهی متکفل آن است. حقیقت دین حکمت است و قرآن نیز همه انبیاء(ع) را حکیم می‌داند، اما متأسفانه ما هیچ وقت به پیامبر(ص) حکیم نمی‌گوییم.

■ برگرفته از سخنان غلامرضا اعوانی به نقل از ایکنّا